

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۹۱۵۹



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۲۳۴

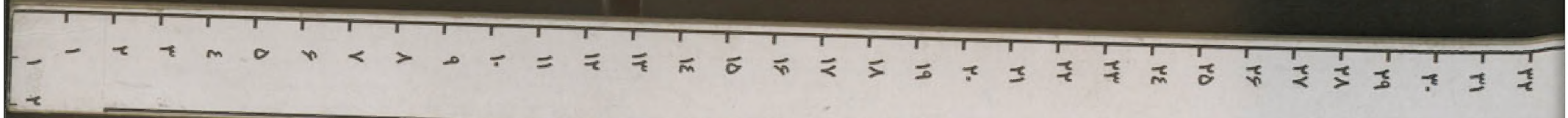


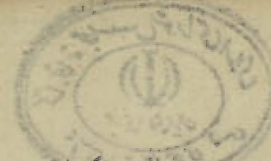
۱۶۱۵۹
۲۰۷۳۲۴

سوره آل عمران

| | |
|------------------------------|----------------------------------|
| آن الله يبشركم بسيحى محمدنا | خداى تعالى ترا فرزند نرینه میدهد |
| ما يملكون من قطره من تدعيمهم | در این وقت ولایت پادشاهان |
| فاو امرى سوات احنوب | این بسته را روبرو بفرستد |
| والخيل والبغال والحمير | این سواران که سوار است |
| وساك على حبة في جنا عذرك | این ضیاع بخیر که فروخته شود |
| نحن نرزقك والعابد للفقير | عاقبت این کار نیکو باشد |
| فابعثوا حكاما من اهله | این خصوصیت بمای نیک شود |
| والعائيف عن الناس | این و امرا بمراد بازدهد |
| امن استر بنيا نه | این بنا برآید و مبارک باشد |
| واحدا واما ملكة ايمانهم | این بنده فرمان بردار نیک بود |
| ايا ما تعدو دامت | بهار روزی چند بچ کشد و بید شود |
| انبت سبع سنا بل | نخست فراغ و ترخ ارزان شود |
| يا ايها العزيزتنا | از عمل سلطان نیکو بپایزند |
| قد احسن بي اذا اخرجني | این زندان رزق خلاص شود |
| الذى يخرج الحسباء | این کم شدن آشکار شود |
| اجتبت من فوق الارض | این غایب از در باز میگردد |

ابراهم





انما فی الارض نقصها

یحییونهم کتب الله

فی ملتهم ولن تفلحوا ابدا

کبر کلک تخیر من افواهم

اجتبوا کثیرا من ظن

الا ان حزب الله

الک فی هذ البلد غالقوم

رب اشرح لی صدرا

صحف ابراهیم و موسی

نما قفی برین منها

ثالت اتی یكون لی غلام

وجعلناکم علیکم

بالیث بنی و بنیث

وعلی کل ضامر بایتین

انعام

وینعم ما فی البر والبحر

وادفوا بعهدی اوفی بکم

فانکموا ما طاب لکم من النساء

این سفر دور بود اما رفو باز میکرد

این دوستی از هر دو جانب بود

درین سخن دیر بماند دعا باید

این خبر از جیف و دروغ است

اینزد تعالی ترا نصرت دهد

آن امید حاجات زود بآید

این علم زود بریا موزد

و غدار و مهربان باشد البر

ازین آمت به کتاست

این زن دوست و مهربان باشد

فرزته یگانه و برین و پارسا بود

اینزد تعالی ترا ملک پادشاهی دهد

این بنده بدست میباید فروخت

این ستم بدست دنا بآوار بود

اندرین علم نبردانا کردد

بر دوتن و ناکسند و ناکند

این زن بکشد و دیگری کرده شود

فبشرناها با سحوق و من و من و من

ولا یملکون الشفاعة الا

واحل الله البیع و حرّم الرّبا

والانعام خلقها لکم فیها

والترسوع و الخنسیل

امرنا لیلدا و نهائما

فهت الذی کفر

واحسن کما احسن الله الیک

فوجد و امیها جدا مرا

ولا تبدلوا الخیث بالطیبة

لیس علی الضعفاء ولا

وفا کفید کثیره لا مقطوعة

ظهور الفساد فی البر والبحر

وبدلناهم بحبیثهم جنیتین

وکان عاقبت امرها خسر

یوم یجد کل نفس

ان تقرقرق الله قرضا حسنا

امتن اسمن بنیانده علی

مهم

این فرزند خدا به همه و کسی باشد

درین وقت ولایت و پادشاهی بنده

اگر این بنده بفروشد به باشد

این ستم بجز که نیک باشد

ازین ضیاع شادی بنیانده

عاقبت این کار بدست حذر به

خصوصت بناید که بهتر بود

این وام بر بنگوی باز داده شود

این بنا مبارک و خوش آید

حزین این بنده بنیکو است

این چهار را صدقه باید داد

امسال زار کونه نعمت از زبان بزرگ

این ستم نیک است باید جزید

این ضیاع اگر فروخته شود بهتر

عاقبت این کار زیان است حذر به

ازین حضرت تر اید که کند

این وام بیدر سو باز دهد

این بنا تمام شود و در کار جز نکند

اولئك الذين استودا
وكان امر الله تدرا
واسع عليكم نعمته
ان الله يامر بالعدل
استخلصه لنفسه
لا تخافوا ولا تحزنوا
واخري تحبونها نصر من الله
ووجدك عايلا فاعنى
وبارك فيها وقدر فيها

این بنده نخر و دیگری طلب کنه
این چهار در خطرات صدقه باید دار
نعمه فراخ و نرخ ارزان کرد
از کار سلطان نیکی بیند
این زندانی زود خلاص شود
اندوه محو که کم بش بیایی
نزدیک است که این ز تعالی کار تو
حق تعالی توانگری دید
اندرین ابزاری کردن برکت پیدا

سبحان

ثم ردناكم اليكم
وقال الذين اشتهروا الله
والله اعلم بما كنتم
فكث غير مبين
قال فانها محترمة
بينكم في الحياة الدنيا
يضاعف له العذاب
بل هو كذاب اشهر

و این توانگری مال بسیار بود
در این ابزاری سود کنه اگر بشت
و این ابزاری تبتیک کنه
این غایب وقت آمد نزدیک
درین سفر دیر بانه آخر باز آید
این دوستی میان هر دو دیر بانه
ازین سختی غم بیرون شود
این خبر البته دروغ است

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تترك بعبادة ربك
ارجعوا الي ابيكم
الم تكن ارض الله واسعة
قد بدت الغضاء
فاستجباله ونجياه
والمجفون في المدينة
اليك موقوف
وكان حقا علينا نصر
يقولون اننا لمرء ودون
فانها لا تقوم الا بصار
فيما نقضهم سيئاتهم
من خلق لكم من انفسكم

درین بازگشتی سود بسیار بیند
این غایب زود بخانه باز آید
این سفر کردن مبارک است
این دوستی بزرگوار است
ازین غم و سختی زود دفع یابد
این خبر دروغ استوار مدان
ازین نعمت البته بکنایست
خدای تعالی ترا نصرت دهد
این امید و حاجت بر نیاید
در آموختن علم کند فهم بود
و فایکند و سوکند نشکند
این زن گرفتاری و نیکو بود

لقمان

ومن الناس من يشتري
ومن اصوافها و او بارها
جنات عدن التي
والباقيات الصالحات
واقض ما انت قاض

این بنده فروختن صواب است
این ستور بنایه بشیخ نور و صریح
این صیاع خوش و خرم بشه
عاقبت این کار نیکو بشه
این خدمت به علم راست آید

ما افق عقی مالمیه
 صفا کانهم نبیان
 عبد املوگا لا یقدر
 وان یسست الله بقره
 کلوا واشربوا من رزق الله
 خذوه فغلوه ثم ابحیم
 فالقوه علی وجه ابی
 جنات عدن مفتحة
 یابنی اذهبوا فحسبوا
 ابحسبون انما غدرهم به

این وام پیشواری باز دهد
 این بنا محکم و پایدار باشد
 این بنده موافق آید بایه خمریه
 این چهار بدعا و صدقه نیک شود
 نعمت ارزان شود بی شک
 از کار سلطان زاین چند خدایت
 این زندانی زود راحتیابه
 کم شده بتاریا به ان آت
 کارهای دینی و دنیوی کن شود
 تانکری و مال بسیار یابه

مأندة

یا ایها الذین آمنوا و فوا
 ان من ایز و احکم و ادلاکم
 ربی انی و ضعتها انی
 لیستخلفنهم فی الارض
 فاتبعوا الی ذکر الله
 سبحان الذی سخی لنا
 فی جنة عالیه قطر منها دایة

این عهد و نای بجای آورند
 زنی دیگر جوی که تا این سن کار
 فرزند نرینه و پارس و نیکو بود
 پادشاهی و ولایت و بزرگوار
 این بنده را بایه بفرستد و دیگری بخرد
 این ستور بخیر که مبارک است
 این ضیاع شاه و صلیبی رسد

و کان عاقبتهم اثنی
 یثمل هذا لعل العالمون
 ومن یوق شح نفسه فاولئک
 لا یزال ینالهم الذی یومنون
 فوجد عبداً من عبادنا
 الذین یدکرون الله و یأمنون
 عام فیه ینات الناس
 ولا ترون الی الذین ظلموا

عاقبت این کارشان کرد
 این خصوصیت با خصم برابر بود
 این وام بتانده و زود بازده
 این بنای نیکو بود و همسایه بهم
 این بنده بخیر که مبارک است
 این بیمار بدعا و صدقه نیک شود
 و این سال نریخ میانه باشد و شود
 ازین عمل سلطان ستم زده گردد

مؤمنون

نسقیمک ممافی بطوبها
 یوید الله بکم الیسر
 ان الملوک اذا دخلوا
 لا تخف منکم القوم
 فضلوا فلا یستطیعون
 حتی اذا جاءواها
 و انقضاء من الکسوف
 و یوم یقول نادوا
 وان لک حسنة یضاعفها

این به از شما نعمت و ابرار
 دلیل آنست که شما از ان کرد
 از شغل سلطان نریخ بفرستد به
 این زندانی زود خلاص یابه
 این کم شده پوشیده و سوار یابی
 همه کارها که کرده اند و ان است
 مال نعمتی نریخ بدست آید
 اندرین باز کاغ سود بسیار پند
 این غایب مال بسیار آید

این غایب مال بسیار آید

تلقون اليهم بالمودة
فاسلكي سبل ربك
وقذف قلوبهم الغريب
ما هذ الا انك مفتري
فما ذا بعد الحق
این سفر کرده شود و بمراد باز آمد
میانه این دو تن دوستی حکم بود
هنوز پنج با تیرت دعا باید کرد
این خبر را در دفع و بهتان است
این آفت برود دست نیاید

مسیم
و وحينا لهم من حتنا
ان تفتقوا ففستع
و يحبون المال حبا جمعا
لو كان فيهما الله الا الله
والعصر ان الانسان
انه يرفقه بعيدا و نوا قريبا
الم تر الى الذين خرجوا
اجر عننا ام صبرنا مالنا
وانه يحب الخير لشديد
و يحق الحق بكلماته
انتم بريئون مما اعمل
و ينصركم الله نصره اعز
این کم شده و دزدیده بیاید
از امر و کار تا بر تو کشیده
دلیل است که مال بسیار بدست
این ابزاری نباید کرد
این بازگانی سر از زبان است
این غایب دور است زود
درین وقت اگر سفر کنند بهتر
این دوستی حقیقی دارد نکیت
از درین غم دیو بماند دعا باید کرد
این خبر را در دفع و بهتان است
این آفت برود دوستی
درین حربه برابر دشمن ظاهر باشد

لا يشترأ يوم مثل الحج ميسين
و يعلمك من تاويل الاحداث
ولقد عهدنا الى آرم
درین وقت امید بر نیاید
علم و حکمت و تغییر بیاورد
عهد بجای آورد و خلاف نکند

مخل
این شرکائی الذین
فما رجبت تجارتهم
توصية ولا الى اهلهم
فانتشر داني الارض
فسوف ياتي الله بقوم
فانهم اجرهم عند ربهم
فخور رب السماء والارض
ان قالوا يسرق فقد سرق
انا لننصر سلسنا
فتقلبوا خائبين
لينطقوا في الدين
الذين يوفون بعهد الله
لا جناح عليكم
و بعد دکم باعمال و بنی
درین ابزاری سود بسیار کند
اگر درین بازگانی راسد شده شود
این غایب از دست است باز
درین سفر کردن مراد حاصل آید
با این کس دوستی کن از دل
ازین غم از دفرج یابد
این خبر درست و راست است
این آفت درست باشد البته
ازین حربه حذر باید کرد
این حاجت درین وقت بیاید
از علم و حکمت بهره مند شود
ای کس و فاکند و خلاف نکند
این زن یا رسا و راسته بود
فرزند نرینه و ماوینه آید

والله يؤتي مملكه من يشاء
پادشاه خواهدی نیت نیکو کن

نکته

وخلق منها راجعها
این زن کرده شود و مبارک باشد
تالت انی يكون لي غلام
فرزند پارسا و زیند در پری آید
وجعلكم ملوكا و آتكم
پادشاهی و ولایت بزرگی بود
و شره بتمن خجیس
اگر شتاب کنی این آینده ارزانی
الذی جعلکم الا نعام
این ستور باید خرید که نیک بود
ومن الثمرات و الخيل
از این ضیاع نیکوی بسیار بیند
وانی لقوی امین
عاقبت این خصوصیت خبر بود
مثل ریح نیهام اصابت
این دام بنایه ستن نادانی
اقبل ولا تخف
عاقبت این کار بمراد باشد
وساکنکم تسکنون
این بنا محکم و خوب آید
نسائهن او مملکت
این بنده مبارک پا بود
لیس لکم ایکم احسن علا
این بیمار به شود یکی گفته
یستبشرون منجته من الله
شادی و خوشی لی و رخ
لن یضرقکم الا اذی
از این شغل سلطان بخرج بیند
قل من یحکم من ظلمات البر
از این زندان روز دفع یابید

نکته

محن اولو قوة و اولو بائس
درین خصوصیت دست قوی کردد

یا کلون التریا اصغا نا
این دام دادن و ستن نیکیت
امن اسر بنیانه علی
این بنا اگر تمام شود مرغ زار شود
ومن الثمرات و الخيل
این بنده خرید شود و دیگری خرید
ولا تستروا بائع
این بیمار از دعا و صدقه صحت یابد
ربنا ارفع بنیانا و بین قوتنا
نعمت فراخ و مرغ ارزان کردد
وکاین من قریه
از کار سلطان تحت رده شود
فانجینه و اهله
این زندانی رود حلاص شود
کهار اشتدت به الیرح
این کم شد باز نیاید
قل کونوا حبارة
این کار نامنور بسته است صبر به
و اما اذا ما ابست لاه
مال و دوا اندک است بسیار شود
وعسی ان تکرهوا حیوا
از این بیمار قوتی که چیز است
ولا جرم انهم فی لاحقة
از این بازگانی حذر کن که زیادت
ان الذین فرغ علیک
این غایب بود بخانه باز آید
یوم یخرجون سراعا
این فکر کرده شود و روز باز آید

نکته

لیست از هم الذین
این بنده خرید و نیک آید
یا کل ما آتاکم
این بیمار بنده ای موافق به شود

ضيقا جرحا كائنا
 عسى ربكم ان ياتي
 خالدين فيها ما دامت
 بضاعتنا ردت اليها
 ما يفتح الله للناس
 وتقوى من الاموال
 واعبدوا الله ولا تشركوا
 هل لكم على تجارة
 فما استطاعوا مضيا
 فقل لن يخرجوا مني
 سيجعل لهم الرحمن ودا
 ولو ترى اذ فرغوا
 ولكن تصديق الذي
 تنكح وكراني نرظها بود
 در غفل سلطان شتاب كنند
 اين زنداني دير باند البته
 اين كم شده تمام باز بيند
 ايزد تعالى كار بسته بكشيد
 درين وقت نقصان مال بود
 اين ابا نري مكن كه نيست
 درين باز كافي سود بيار كنند
 اين غايب درين وقت نيست
 اين سفر كرده شود و صلاح درين بود
 اين دوستي هر دو تن را نيست
 ازين سخن روز خلاص يابد
 اين خبر راست است بي شك

هون

ولقد جاء امرنا بنجينا
 اقم ذالك الكتاب
 يظنون بالله ظن السوء
 انهم لهم المنتظرون
 ازين غم و سخن روز خلاص يابد
 اين خبر درت و تحقيق است
 اين لقمه در زرع است
 اظفر و صفت ترا باشد

والسارق والسارق قد
 يوم تولون مدبرين
 قد اصبتم مثليها
 الرحمن علم القرآن
 ولا الذين ينقصون الميثاق
 لنساؤكم حرث لكم
 انما رسول ربك لاهلك
 اين آفت بروجي راست كرد
 درين حربه شتاب كنند حذر به
 اين اصيد و حاجت اندكي بر آيد
 علم تفسير و آيات حديث آموزد
 اين وفا كنند و عهد شكند
 اين زن كرده شود و سزا كار ببرد
 ايزد تعالى ترا فرزند بار سازد

مشعرا

وانتم عشيرتكم الاقربين
 رفيع الدرجات ذو العرش
 الا على نرا وجههم او ما
 ونزل من القرآن
 اولئك لهم مخرج معلوم
 يهدون بالحق وبه يعدون
 من اراد باهلك سرود
 واداء ايلد با حسسان
 ولو اقمهم آمنا وانفقوا
 ربتي اتني اتولت الي
 بيم پشه كه دام باز نه شد
 اين بنا كرده شود و بلند و خوش آيد
 اگر اين بنده ما دينه پشه بخورد
 اين پناه را تقوي بايد نوشت كرد
 نعمت قراخ و نرخ ارزان گردد
 ازل سلطان نيكي بشينه
 زنداني دير باند نگاه پروان
 اين كم شده باز آيد بروجي
 كارها بر تو كشاده كرد
 ايزد تعالى ترا مال بسيار داده

عسى ربنا ان يبد لنا
وبار كنا عليه وعلى
وما من غائبة في السماء
يوم ليمعن الصيحة
واتخذ الله ابراهيم خلیلاً

این انباری هر دو را نیک است
درین باز را کانی سود بسیار
این غایب از در در آیه بمسار
ازین سفر نیکوی بسیار
این دوستی هر دو از دل بود

ط

فبشرناك بالحق قبل
نفقنا ابواب السماء
محسبهم الجاهل الغنياء
سواء منك من استر القول
وان لك لا جوار غير ممنون
ومخشي من هرون وعمله
اولئك عنها مبعدون
ولا تمشي في الارض مرحا
فالف بين قلوبهم
ومحق الحق بكلماته
فريقا تقتلون وبأسرون
ولكم فيها ما تشتهي

این زندانی زود فرج یابد
این کم شد را باز بنیاید
کارهای بسته بر تو کشاید
بغت حق آسان و مال یابد
این انباری کرده شود و آید نیک
درین باز را سود بسیار
این غایب در آید اما نیک
این سفر بر آید کرده شود
میان هر دو خضم و حق الهی
این جدر است است روشن
این تفت بر دی و ریت کرد
دشمنان به از ریت شوند

وعلمتم ما لم تعلموا انتم
ما لهم به من علم

این اسید حاجت بدهد به تمام
درین اعلم امام و بزرگ شود

انفال

منكم عشرون صابرون
اجيب دعوة الداع اذا دعا
وعلم الا دم الاسماء كلها
والذين هم لاماناهم
ولا تنكحوا ما نكح اباؤكم
انا عجوز وهذا بعلي شيخا
قل من يملك من الله شيئا
فخبر يوم تبتة مؤمنة
وان لكم في الا نعام لعلبرة
بواد غير ذي خمر ع
الا تخافون ولا تخزنوا
واصبروا وما صبرك الا الله
وانه احببتم بحجة فحيتوا
وبينا فوقكم سبعا شدادا
الحزب الحق والعبد بالعبد

بر دشمن غیر در بود اگر دو سنگ باشد
و عا باید کرد که اجابت شود
از هر کونه علم بسیار
و فای جای آورد و خلق کند
اندرین تفریح مستی می یابد
فرزند این زن پیرانه سرد آید
درین دلیل پادشاهی نیست
این بنده فروخته شود و آزاد گردد
این سوار بخبر و بسیار است
این ضیاع اگر بخیر و آتش کم شود
مترس که عاقبت کار نیک شود
اندرین خضر مت صبر باید کرد
این دوست و نیکو باشد
این بنا علم آید و دیر باشد
خیریدن این بنده بمراد باشد

هو الذي جعلكم
في الدنيا

وواعد یا موسی نیش لیلۃ
 و علمت مالم تکن تعلم
 یوفون بالشد تر و یخافون
 مانکوا هن باذن اهلهن
 من انزلوا حکم بین و حفلة
 و آیتنا هم ملک اعظم
 و اسکو هن بمعروفت
 مانی بطون هذه الانعام
 فی سدر مخضرو و طالع منفرد
 فمن یعمل مثقال ذرۃ
 وان تحسنوا و تقنوا
 و اما الجدان نکا ن
 فان لم تبسها و ابل فطل
 او ملکک من احمده
 این کنتم مرفی ان تفعوا
 و آتته الله الملك و الحکمة
 و کایت پادشاهی و علم بود
 این مرد و حاجت بر ذری بر آید
 علم بسیار آموز و نام کسیر
 و فایا آورد و خلاف نکند
 این زن بخواه اندیشه مکن
 دلیل فرزندی و مال بسیار بود
 دلیل پادشاهی و بزرگی بود
 این بنده نیکو فروخته شود
 این ستره ان عیب ندارد
 این ضیاع نیکو گاه شود
 عاقبت این کار نیکو باشد
 این خصومت انجامد بصلح
 این دام بعضی زود دهنده و بعضی دور
 این بنائیکت در غریه و حمل کند
 این بنده دوست دار بود
 این چهار را بر اینر باید کرد

بقرة

من قبل ان یاتی یوم لا ینفع فیه
 و الله خلق کل دابة من ماء
 و یجعل لکم حسنا
 یتشوههم را تبهم بر حمت منه
 نلذ یجعل علیهم انما فعلهم
 و ان کان ذو عسرة فنظرة
 فانی الله بنیانهم من القواعد
 یطاف علیهم بحاف من هبوب
 اتی مستفی النفس و انت ارحم الراحمین
 ثم قبضاه الینا قبضای حیرا
 قال انک الیوم لدینا مکیکین امین
 لا تخف و لا تخزن انما اراده
 و وجدک ضالاً فهدی
 فاقم یفوی و بنیهم فتحا
 فروختن این بنده بهتر است
 خریدن این ستره نیکو است
 این ضیاع با حق مبارک است
 عاقبت این کار نیکو باشد
 درین خصومت صبر به از عجیل
 این دام دادن و گرفتن نیکو است
 این بنا اگر بر آید زود منهدم شود
 که این بنده بخیر را و نیکو باشد
 این چهار به عا و صدقه بر شود
 دلیل در تنگی و کمرانی زخما کنند
 این کس را عمل سلطان نیکو بود
 این زندانی زود خلاص باید
 این کم شده زود باز آید
 همه کار زود بر تو گشاده شود

انبیاء

لا تخف ان کانت الاعلی
 اهترت و مریت
 ان یرید | صلاحاً یوفق الله
 از عمل سلطان رنج بنده حذر به
 از این آزار زود خلاص باید
 مرده مر ترا که این کم شده بیاید

فقد صلحهم ان الله
يوم لا ينفع مال ولا بنون
يوم عسير على الكافرين
فما رجعت تجارتهم
برزاقون فرحين بما
اتوا من اتباعكم الغالبون
يضاعف له اضعافا
واذا لا يلبثون خلافة
اجرا حسنا ما كسبوا
هانتم ها ولا تحبونهم
الحمد لله الذي اذهب
حقا عليهم القو ل

توسعه

وارتأيت قد ربه
يدكم ربكم نجسة الكاف
ان تدعوهم لا يجمعوا
لهم تدبرهم لا يفتقرون
وما وجدنا الا اكثرهم من عد

کارهای بر تو گشاده گردد
درین وقت دلیل بر درستی بود
در این انانی رات باید بود
اگر درین بازگان رات بود چینه
این غایب دور است اما بیک
این فکر کردن بهتر است
این دگرستی میان اردو تن بماند
ازین غم روز فرخ خورای نیست
این خبر درست و تحقیق است
این همت برو کمان بر کرد و رفت
بر دشمن ظفر یاب و غنیمت بر آید
اسید حاجت بر آید

این همت بر روی درست باشد
نصرت او را بود ترا حذر به
این امید و حاجت بر نیاید
علم و ادب یا موز در پنج مبر
درین و نا امان یا بج

هو لیس اکم وانستم
وبین شهودا و مهادت له
قل اللهم مالک الملك
اعملوا ما شئتم انتم
وذلكنا حالهم قضا
فیها انهار من ماء غیور اسن
وقد استسك بالعودة الوثقی
فاصل بینهم فلا اثم علیه
اذ ان ایتهم بدین
فخسفت و بهاره الا ان فی

سج

وكم قصصنا من قریب
ونحننا من الغم وكذا لك
واللبسنا عليهم ما یلبسون
ولو فتقنا عليهم با با
یجعل له فخر جا
بل یداه مبسوطتان
فما نزل منی غیر تحسیر

این زن کرده شود و در خود آید
فرزند و مال و ترا گوی باشد
ایزد تعالی ترا مال و عزت ده
این بنده بمراد تو فروخته شود
این سوز خرید شود و گشت شود
این ضیاع خرید شود و سبزه شود
عاقبت این کار نیک خواهد بود
اگر ازین حضرت بعل باز کرده بود
این و ام بوقت باز نماند بقا باید
ازین بنا حد کن که خراب کرد

بخت فراخ و نرفخ ارزان گردد
از کار سلطان نیکوی پسند
ازین روز دندان فرخ یا به
این کم شدن باز بیند بی رختی
دلیل بستگی کار بود خدیه
نماندگی و مال بسیار پسند
در این انانی سوز بسیار پسند

لا تبين فيها احقا با

لوانفقت ما في الارض

ومخرج من بيته

رذناهم غذا ابا مذق

ان هذا هو الحق اليقين

وجهد وابها واستيقظها

سيفهم الجمع ويدلون القبر

لن تالوا الحق تنفقوا

وجعلناكم فيها معاش

وجعلنا اهل المدينة

نسيحوا في الارض

محبهم جميعا

تقول على كل اناك

ويقولون توهم بعض

ويحلفون على الكذب

لا تناصرون بل هم المرم

قال قد اوتيت مثلك

درين بارگاش زيانها ببيند

ازين غايب حج كند و بخانه بارگاه

درين سفر دير بما نيت

ازين دوستي از يك تر حقيقت

خلاص ده خدای ترا بر دشمن

ازين خبر تحقيق است دروغ نيت

ازين تهمت بي گناه است البته

ناكاه فتح و مغرت به ياد

ازين بارگاش سود بسيار بيند

ازين غايب دمان بخانه بارگاه

ازين سفر يقين بود و بگرد بارگاه

ازين دوستي حذر به

ازين سخن روز و فرج يابه

ازين خبر بعضي درست است و بعضي

ازين تهمت البته راست بشه

درين حرب بارگاش تا ظهور

بين اميد و حاجت زود برسه

بل طبع الله على قلوبهم

ان الله كان صادق الوعد

وانكحوا الياني منكم

وجعلنا ذريتهم

وهو الذي جعلكم

فاصبروا صبرا جميلا

وهو الذي مدد الارض

والقيت عليكم محبة مني

ولو جهنم وكشفنا

الله لقلوبهم

فبواه الله ما قالوا

ينصركم عليهم

ولكن فيها معاش

وجعلنا على قلوبهم

ذلك وعد غير مكذوب

ازواج منكم سلامت

بهم لمن يشاء اناسا

اين علم بار چند آموز و فهم كنند

و فاكند با تو خلاف كنند

از زن و فادار و مهربان بشه

بسيار فرزنده بسيار مهربان بشه

اگر نيت نيكو باشه پادشاه بشه

در فرد خشن اين بند صبر بهتر

ازين سفر كرده شود مغرت بسيار

ازين دوستي هر دو را نيك بشه

ازين غم زود راحت يابه

ازين خبر درست است اگر در گناه

ازين تهمت بر دروغ است چنانچه

صفت و غير و كذا را بشه

ازين اميد حاجت است و گاهي

انداختن حق علم كاهل بشه

و ناي بجاي آورده خلاف كنند

ازين زني مي بايه كه كركه بشه

از دست تر افروخته نريند و نه

سر عدل

حج

یا داود آنا جعلناک
واسر والتمذامه لما
جنات تجري من تحتها
الانهار
الم ترون الله یخترکم

بادشاهی بزرگی ترا بشد
از فروختن این پشیمان شود
این ستر یک بشد و ببارک
اندرین ضیاع طایفه بسیار بود

عنکبوت

بخیتم من الجنة عزنا
واخر دعویهم ان الحمد لله
ان یصلها بینهما صلحا
فرمان مقبوضه
کشل العنکبوت امثله
بطوف علیهم ولدا
فی قلوبهم مروض فزاد
ولبلونکم بشی
اما جزاء الذین یخادون
لا تخافوهم وکنا ولا تخشی
ولیکشون روح الله
الذین یترکون الدین
فسوق یعنیکم الله

این ضیاع سافه شود بآوردان
عاقبت این کانهایت بکفران
یکان این خصمان بصلح ایمان
این دام بی قتاله بنایه داد
این بنا ضعیف و نارسا زاده
این بنده بجز کردن زیر و قنداق
این پمارا اگر چه بمرنگه بدر از کند
دلیل شکی و کرمنا اجناس بود
این کار سلطان بسی بکوبان
این زلفه زرد فرج ببارد
این کم نشد زرد باز دیده شود
این کار بکشید بعبه
فرانگین و مال بسبا ببارد

نور

امکم بما تمحلون
وتجارة تخشون کسارها

درین آبنازی غایب بسیار بند
درین بزرگان سود بسیار بند

فرقان

ویجعلکم جنات
وانه لما قام عبد الله
واذا مرضت فهو یشفین
الله یبسط الرزق
واجعل الناموس لک نیا
یجعل الله بعد عسر یسرا
واجعل فیهم ویا
انا فحنا لک تخامینا
وجعلت له مالک ممد وکنا

این بنا کرده شود بآب روان
این بنده خنجره شود و دیک آ
این پمارا خدای تعالی شفا داد
درین سان بخت فراخ شود
از عمل سلطان نیکی پسند
این زندان رفود حلاص و خلاص
این کم شده تمام بتو رسد
کارهای بسته بر تو کشاده که در
دلیل تو انگری و مال و فرزند بود

یا بنی لا تشرك بالله
فکم رؤس اموالکم
مر بنا علیک توکلنا
انقر دانی سبیل الله
انما یرید الشیطان وان یوثر
وخیینا من الغم وکن لک یجی

ازین آبنازی احزان بایه کرد
درین بزرگان سود نخواهد بود
این غایب بشای بپورید
این سر کرده شود و مال ببارد
این دیکتی و خشنی بمبدل شود
ازین غم و سختی راحت ببارد

قصص

فانظر كيف كان
من ذا الذي يقرض الله
والذين ابواهم القواعد
وحدتهم كمال
في قلوبهم مرض
والله واسع عليم
ان الله لا يحب كل خوان
نبت في السجى بضع سنين
ان المفلح لا يورث
اذا جاء نصر الله والفتح
ايحبون انما هم
انجي اشد ربه اذني
يرجون تجارة لن يتوروا
تلبسوا بها الا يسيرا
ان يبلغا شدتها
قد احسن الله لادنائه

عاقبت اين كار بدست خدريه
اين طام دادن و سندن نيكيت
اين بنا كرده شود و نيك بر آيد
از خريدن اين بنده نيكي بپيوند
اين بمار را صدقه بايد داد
نخت فراخ و نزع ارزان شود
درين عمل سلطان منفعت بيايد
اين زندگانه از هواوشي كردن است
اين كم شده زود بدست باز آيد
كار ناي بسته بر تو كشاده كردد
توان كرد كرد و مان بيار بيايد
درين ايناري برستي بر كتيده
درين بار كنه سود خواهد بود
اين غايب باز آيد يا ناهم فرشته
كار بر تو كشاده كردد
و دري بر تو فراخ شود

و انظر كيف كان
من ذا الذي يقرض الله
والذين ابواهم القواعد
وحدتهم كمال
في قلوبهم مرض
والله واسع عليم
ان الله لا يحب كل خوان
نبت في السجى بضع سنين
ان المفلح لا يورث
اذا جاء نصر الله والفتح
ايحبون انما هم
انجي اشد ربه اذني
يرجون تجارة لن يتوروا
تلبسوا بها الا يسيرا
ان يبلغا شدتها
قد احسن الله لادنائه

ولا تسبوا من روح الله

وما اوتيتم من العلم
كبر مقتا عند الله
وقد اقضى بعضكم
قالوا لا تحبل انا
رب اغفر لي و هب لي ملكا
و يعبدون من دون الله
و تحل انك اكم الى بلد
كم تركوا من جنات
والاخرة عند ربكم
ان ينصركم الله فلا غالب
اين امير بخير تام بر آيد
از علم اندكي بيا موزد
بي وفاي و بدي عدي كنه
اين زن كردن نيك بود
بفرزند نريشه و پارسا شاد شود
دليل ملكيت و پارت هاى بود
در فروختن اين بنده نايد بود
اين شور بد خواست بايد عريده
اين ضياع بخركه فروخته شود
عاقبت اين كار تباست خدريه
درين خصومت دست نوتو

يوسف

قد شغفها حبنا اناليتها
قال صاوي الى جبل
قالوا هذا قال ربكم
ان تبصروا الا ظن
يقا تلون يوتو كم لاد بار
والذين يدعون من دون الله
اين دوستى مرد و زن شبه
دعا كن تا از غم براسي
اين خبر درست و درست است
اين تهمت دروغ است خدريه
بهم كشتن و از ريشه است خدريه
كنون اين حاجت بر نيك آيد

خدريه

ويعلمكم الكتاب والحكمة
انهم يقولون ما يفعلون
لا حين حل يوم ولا حين يحل
واذا ابشرا احدكم بالانشي
وما كان عليهم من سلطان
ليس عليك جناح
كمثل الحمار يحمل اسفارا
واخرجت الامم باغفالها
بل توثرون الحيوة الدنيا

يونس

وليتنبؤنك الحق هو
سبحانك هذا ابهان عظيم
وما لكم من دون الله من ولي
لا تقطعون رحمة الله
عائنا صنع لبوس
فهل وجدتم ما وعد ربكم
وسيقفوا الذين
بشرى هذا اعلم
ان من نزلنا نزلنا
انهم يقولون ما يفعلون
لا حين حل يوم ولا حين يحل
واذا ابشرا احدكم بالانشي
وما كان عليهم من سلطان
ليس عليك جناح
كمثل الحمار يحمل اسفارا
واخرجت الامم باغفالها
بل توثرون الحيوة الدنيا

يكون مقال ذرة
لا يعلمون من عمل
لكن فيها حال
ولقد اتوا على القرية
وقد منالى ما علموا من عمل
اما متابعد واما فناء
ان رحمة الله قديم
انهم يقولون ما يفعلون
لا حين حل يوم ولا حين يحل
واذا ابشرا احدكم بالانشي
وما كان عليهم من سلطان
ليس عليك جناح
كمثل الحمار يحمل اسفارا
واخرجت الامم باغفالها
بل توثرون الحيوة الدنيا

سبحانه باقامه بالشمس والكرام
بست كونه شهنشاه كارنام
كردنيان با شمشه چون تبار
كردود باغش فانه خاش
در پايه هم نهاد
كرد و كارمانه زمين در جهان
هرا كسي بخواند بيا به ثواب



نیز
و الله اعلم
الشيخ محمد باقر
نور محمد باقر

2
11/12